

# ۲- روند توسعه اقتصادی طی دو دهه گذشته

آفریقا و آمریکای لاتین تن به مبادلات تجاری سهل ولی استعماری (صدور مواد خام برای کالا) می دهند. این سیستم اقتصادی اصولاً وارد مرحله پویش تکاملی توسعه اقتصادی نمی گردد، ولی کشور ژاپن با کوشش خود توانست از این مرحله عبور نماید. در ژاپن، تجارت به معنی کمک به توسعه ترویج و توزیع کالای ساخته شده در محل است. به عبارت دیگر، میتسوئی و میتسوبیشی در قدیم، کالای تولید شده در ژاپن را خرید و فروش می کردند و سپس از سراسر دنیا مواد خام لازم و مورد نیاز صنایع ژاپن را وارد می کردند، تا صنایع ژاپن به کار خود ادامه دهند. اکنون ژاپن سعی دارد حداقل از نظر اقتصادی، سازمان و سیستم اقتصاد سرمایه‌داری جهان غرب برهبری آمریکا و اروپا را به یک سازمان سه قطبی با مدیریت مشترک آمریکا اروپا و ژاپن تبدیل نماید.

بطور کلی بررسی تحولات اقتصادی ژاپن در مدت ۳۰ سال گذشته را می توان به چند دوره مشخص بترتیب زیر تقسیم بندی کرد:

### — دوره اول ۷۳-۱۹۶۰

در این دوره رشد واقعی تولید ناخالصی داخلی ژاپن از رشد متوسط سالانه حدود ۹/۹ درصد برخوردار بود. اهم عواملی که موجب افزایش رشد اقتصادی در این دوره شد شامل تولید انبوه، پیشرفت تکنولوژی، استفاده از انرژی ارزان، بهره‌وری از نیروی عظیم کارگران و اعمال مدیریت صحیح است. در این دوره، ترکیب اقتصادی کشور از کشاورزی به سایر بخشها، بخصوص به بخش صنعتی شامل صنایع سنگین و صنایع

کشور ژاپن طی جنگهای متعدد خود از اواخر قرن ۱۹ تا اواسط قرن بیستم از فرصت اقتصاد دوران جنگ، برای تغییر ساختار اقتصادی و صنعتی خود استفاده نموده یعنی ساختار صنعتی این کشور با هر جنگی، بیش از پیش، از کشاورزی به سوی صنایع سنگین سوق داده شده است. ژاپن در واقع، جنگ را به عنوان ابزاری برای تکامل صنعتی، هم از بابت تکنولوژی و هم از نظر نوع کالای تولید شده بکار گرفته است. در مورد نیازهای اقتصادی و مالی ناشی از جنگ، بطور خلاصه می توان آنها را بر حسب ضایعات وارده بر ثروت ملی محاسبه نمود. کل زیانهای مادی بالغ به ۶۴/۳۰۰ میلیون ین برآورد گردیده است. این رقم برابر  $\frac{۱}{۳}$  باقیمانده ثروت‌های ملی ژاپن پس از جنگ (۱۸۸/۹۰۰ میلیون ین) است که تقریباً معادل ارزش ثروت ملی این کشور در سال ۱۹۳۸ می باشد. لذا بسادگی می توان چنین نتیجه گرفت که ذخیره ملی و تلاش دهساله ۷۰ میلیون ژاپنی (۴۵-۱۹۳۵) در مدت کوتاهی، در اثر سیاستهای امپریالیستی و توسعه طلبانه محافل میلیتاریست و سرمایه‌داری ژاپن به نابودی کشانیده شد. بدین ترتیب تمام جنبه‌های مربوط به زندگی مردم ژاپن در دوران جنگ تغییر یافت. صرفه‌جویی، فرهنگ تولیدی بجای فرهنگ مصرف، تجارت به معنی توسعه و ترویج صنایع داخلی نه دلالتی کالای بیگانه، پرکاری، اطاعت از مقررات، کم‌توقعی و پرمسئولیتی و غیره، همه از عوارض و میراث‌های سیستم اقتصادی دوران جنگ است که بعدها نقش بسیار مهمی در توسعه اقتصادی و صنعتی ژاپن برعهده داشته است. به عبارت دیگر، اقتصاد غیرتولیدی و مصرفی و غیر متعهد برخی از کشورهای در حال توسعه آسیا،

شیمیائی تغییر جهت پیدا کرد. در این دوره بخش خصوصی سرمایه گذاری قابل توجهی در کارخانجات صنعتی انجام داد و با استفاده نسبتاً زیاد از نیروی کار، دسترسی آسان به مواد اولیه و بهره گیری از انرژی ارزان وارداتی، موفق شد ارزش بسیار سریع در تولید کارخانجات برخوردار شود. در دوره مورد بررسی، صنایع بدون هیچگونه مشکلی از نیروی انسانی مازاد در بخش کشاورزی استفاده کردند. به این دلیل سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی از ۸/۸ درصد در سال ۱۹۶۰ به ۴/۵ درصد در سال ۱۹۷۰ کاهش یافت. بهمین جهت در این دوره سهم کشاورزی در کل صادرات کشور از ۴/۱ درصد در سال ۱۹۶۰ به ۱/۹ درصد در سال ۱۹۷۰ کاهش پیدا کرد و با وجود کاهش نیروی شاغل در بخش کشاورزی و کاهش سهم آن در تولید ناخالص داخلی، شاخص تولید محصول کشاورزی از ۷۵/۳ درصد در سال ۱۹۶۰ به ۹۴/۷ درصد در سال ۱۹۷۰ افزایش یافت.

شاخص بهای کالاهای کشاورزی در این دوره افزایش نسبتاً سریعی داشت. در مقابل قیمت کالاهای صنعتی ثابت ماند و این امر موجبات رشد سریع صادرات صنعتی ژاپن را فراهم کرد. به این ترتیب در این دوره، اقتصاد ژاپن با وجود فقر شدید از نظر منابع معدنی داخلی و وابستگی شدید به مواد اولیه خام وارداتی، با استفاده از مواد خام اولیه ارزان و فراوان در جهان و نیروی کار ماهر در کشور، زیربنای اقتصادی خود را پس از پایان جنگ دوم جهانی پایه ریزی کرد.

تولید ناخالص ملی ژاپن سالهای ۷۲-۱۹۶۵ با رشد متوسط ۱۰/۹ درصد از ۳۲۶۵۷ میلیارد ین در سال ۱۹۶۵ به ۹۲۳۱۳ میلیارد ین در سال ۱۹۷۲ بالغ شد و طی همین دوره تولید ناخالص ملی سرانه با رشد متوسط ۹/۶ درصد از حدود ۳۳۰ هزار ین در سال ۱۹۶۵ به حدود ۸۶۱ هزار ین در سال ۱۹۷۲ رسید. روند اشتغال و تغییرات در ترکیب کشاورزی و

غیر کشاورزی به این ترتیب بود که بتدریج از تعداد افراد شاغل در بخش کشاورزی کاسته شد و از حدود ۱۱/۶ میلیون نفر شاغل در سال ۱۹۶۵ به حدود ۷/۱ میلیون نفر در سال ۱۹۷۲ رسید در مقابل به تعداد افراد شاغل در بخشهای صنعتی طی همین دوره به مقدار قابل ملاحظه ای افزوده شد. بطوریکه طی ۸ سال حدود ۸/۳ میلیون نفر به افراد شاغل این بخش اضافه شد. طی دوره مورد بررسی تغییرات قابل ملاحظه ای نیز در روند بازرگانی خارجی ژاپن رخ داد و مازاد موازنه بازرگانی از ۱۰۱ میلیارد ین یا حدود ۲۸۰ میلیون دلار در سال ۱۹۶۵ به ۱۵۷۷ میلیارد ین یا حدود ۴۲۰۱ میلیون دلار در سال ۱۹۷۲ بالغ شد. در این دوره رشد صادرات همواره از رشد واردات پیشی گرفت. طی سالهای ۷۲-۱۹۶۸ آمریکا طرف اصلی بازرگانی ژاپن بود که حدود ۳۲ درصد از صادرات و ۲۷ درصد از واردات این کشور را بنحود اختصاص داده بود.

#### — دوره دوم سالهای ۷۵-۱۹۷۳ —

متوسط سالانه رشد واقعی تولید ناخالص داخلی در دوره دوم ۷۵-۱۹۷۳ به حدود ۰/۶ درصد کاهش یافت تولید ناخالص ملی آن کشور در سال ۱۹۷۳ حدود ۱۱۲۴۴۱ میلیارد ین در سال ۱۹۷۴ حدود ۱۳۳۹۲۲ میلیارد ین و در سال ۱۹۷۵ حدود ۱۴۷۸۷۴ میلیارد ین بوده است کاهش رشد اقتصادی ژاپن در این دوره را بیشتر می توان معلول آشفستگی کل اقتصاد جهان دانست. رشد متوسط اقتصادی جهان در این دوره حدود ۱/۷ درصد بود. در میان عوامل کاهش رشد اقتصادی می توان به افزایش حجم و قیمت مواد اولیه وارداتی، نرخ بالای تورم جهانی و افزایش قیمت انرژی وارداتی اشاره نمود. طی همین دوره (۷۵-۱۹۷۳) شاخص ضمنی کالاهای صادراتی از ۷/۹ درصد به ۳۱ درصد و شاخص ضمنی کالاهای وارداتی از ۱۷/۱ درصد به ۵۵/۲ درصد افزایش یافت و شاخص بهای کالاهای مصرفی خرده فروشی از ۱۰۰ درصد به ۱۰۶/۲ درصد

و شاخص بهای کالاهای مصرفی عمده فروشی از ۱۰۰ به ۱۲۵/۳ رسید.

از میان عوامل داخلی مؤثر در کاهش رشد اقتصادی در این دوره می‌توان به وضعیت اشتغال اشاره کرد. زیرا نیروی کار ماهر که از بخش کشاورزی تدریجاً جذب دیگر بخشهای اقتصادی از جمله بخش صنعت میشد کافی نبود و بالاخره عامل دیگر، افزایش آگاهی مردم از مشکلات آلودگی محیط زیست و علاقه به حفظ آن بود که موجب شد صنایع ژاپن نتوانند بدون اجرای شدید مقررات محیط زیست اقدام به ایجاد تأسیسات جدید کنند. به این ترتیب افزایش قیمت نفت خام در سال ۱۹۷۳ نه تنها از رشد اقتصادی این کشور کاست، بلکه موجب افزایش نرخ تورم و مشکل کسری موازنه پرداختها شد. بهمین جهت برنامه ریزان اقتصادی ژاپن مجبور شدند در خط مشی‌ها و اهداف و سیاستهای اجرایی برنامه‌های اقتصادی کشور، تجدید نظر بعمل آورده و ترتیباتی به منظور کاهش خروج سرمایه از ژاپن و تشویق ورود سرمایه‌های خارجی به کشور اتخاذ کنند و در داخل کشور سرمایه‌گذارهای جدید را بسوی خانه‌سازی، مبارزه با آلودگی هوا، صنایع سبک مانند داروسازی و بخشهای دیگر مانند آموزش و پرورش سوق دهند، تا موجب نگهداری و افزایش کیفیت سطح زندگی مردم ژاپن شود. رشد حقیقی تولید ناخالص ملی سرانه از حدود ۲۰/۱۰ درصد در سال ۱۹۷۳ یکباره و ناگهانی به کمتر از ۹/۰۲ درصد در سال ۱۹۷۵ کاهش پیدا کرد و این اولین ضربه اقتصادی بود که در ۲۰ سال گذشته در اقتصاد ژاپن به وقوع پیوست. در این دوره کوتاه تغییرات چندانی در روند اشتغال بوجود نیامد، ولی تغییرات قابل ملاحظه‌ای در موازنه بازرگانی رخ داد، به طوری که کسری موازنه بازرگانی حدود ۳۷۳ میلیارد ین در سال ۱۹۷۳ تبدیل به کسری موازنه بازرگانی حدود ۶۰۴ میلیارد ین در سال ۱۹۷۵ شد. در این دوره طرف اصلی بازرگانی کشور همچنان آمریکا بود، اما نسبت به دوره قبل

۷۲-۱۹۶۸ از سهم آن کاسته شد و به حدود ۲۲ درصد رسید.

### — دوره سوم سالهای ۸۰-۱۹۷۶ —

در ماه مه ۱۹۷۶ دولت ژاپن برنامه اقتصادی میان مدت ۵ ساله (۸۰-۱۹۷۶) را تدوین کرد. رشد متوسط اقتصادی سالانه در این برنامه حدود ۶ درصد برآورد شده بود. همچنین پیش‌بینی شده بود با اجرای این برنامه اقتصادی، کشور در اوایل دهه ۸۰ با آهنگ مناسب و حالت یکنواخت به نرخ رشد واقعی ۵ درصد، افزایش قیمت کالاهای مصرفی بمیزان ۵ درصد، موازنه اساسی در حسابهای خارجی کشور و تعادل بین عرضه و تقاضا در بازار کار برسد.

عملکرد این برنامه نشان داد که متوسط رشد تولید ناخالص ملی به قیمت ثابت طی سالهای ۸۰-۱۹۷۶ حدود ۵ درصد شد. وضعیت کل اشتغال در این دوره از ۵۲/۷ میلیون نفر در سال ۱۹۷۶ به حدود ۵۵/۴ میلیون نفر در سال ۱۹۸۰ افزایش یافت. لکن جمعیت شاغل در بخش کشاورزی، جنگلداری طی دوره مذکور روند نزولی داشت و از رشد منفی ۳ درصد برخوردار شد. در مقابل جمعیت شاغل در دیگر بخشهای اقتصادی از ۶/۷ میلیون نفر در سال آغاز برنامه به ۵۰/۱ میلیون نفر در سال پایان برنامه بالغ شد. (رشد متوسط طی دوره ۱/۸ درصد می‌باشد) در این دوره میزان بیکاری بتدریج زیاد شد و با رشد متوسط ۱/۴ درصد از حدود ۱/۰۸۰ میلیون نفر در سال ۱۹۷۶ به حدود ۱/۱۴۰ میلیون نفر در سال ۱۹۸۰ رسید. \* حجم مبادلات بازرگانی طی این دوره از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار شده بود. بطوریکه میزان صادرات با رشد متوسط ۱۷/۹ درصد از حدود ۱۹۹۳۰ میلیارد ین یعنی حدود ۲۷/۲۰۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۶ به حدود ۲۹۳۸۲ میلیارد ین یعنی حدود ۱۲۹/۵۸۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ و میزان واردات با \* تولید ناخالص داخلی طی این سالها از ۱۶۵۶۹۵ میلیارد ین در سال ۱۹۷۶ به ۲۱۸۸۹۴ میلیارد ین در سال ۱۹۸۰ افزایش یافت.

### جدول شماره ۱- وضعیت اشتغال در ژاپن

واحد درصد	۱۹۸۲	۱۹۸۱	۱۹۸۰	سال	شرح
۷۷/۰	۷۶/۶	۷۶/۵			جمعیت فعال اقتصادی نیروی کار
۴۶/۲	۴۷/۴	۴۷/۴			اشتغال نیروی کار
۹/۷	۱۰/۰	۱۰/۳			اشتغال نیروی کار در بخش کشاورزی
۴۱/۰	۳۴/۷	۳۴/۵			اشتغال نیروی کار در بخش صنعت و معدن
۴۹/۳	۵۲/۳	۵۵/۲			اشتغال نیروی کار در بخش تجارت و خدمات

وضعیت در سال ۱۹۸۲ همچنان ادامه یافت. مازاد حساب جاری که انتظار میرفت در سال ۱۹۸۱ به حدود ۶ میلیارد دلار برسد محدود به ۴/۷۷ میلیارد دلار شد، و در پایان سال ۱۹۸۳ به حدود ۴ میلیارد دلار رسید.

بر اساس مذاکراتی که انجام شد در بهار سال ۱۹۸۲ دستمزد کارگران حدود ۷ درصد افزایش یافت و این میزان حدود ۳ درصد بیشتر از نرخ تورم در کشور ژاپن بوده است و طی جدول شماره ۱ وضعیت اشتغال در بخشهای مختلف آن کشور نشان داده شده است. از سوی دیگر شاخص بهای کالاهای مصرفی که در سال ۱۹۸۱ حدود ۱۰۴/۹ بود. در سال ۱۹۸۲ به حدود ۱۰۷/۷ افزایش یافت و سرعت کاهش نرخ رشد قیمتها در سال ۱۹۸۳ همچنان ادامه یافته و به حدود ۳/۴ درصد در این سال بالغ شد، و شاخص بهای عمده فروشی کالاهای از ۱۰۱/۴ درصد در سال ۱۹۸۱ به ۱۰۳/۲ درصد در سال ۱۹۸۲ افزایش یافت. طی سال ۱۹۸۱ سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی حدود ۳/۵ درصد، سهم بخش صنعت و معدن و ساختمان در تولید ناخالص داخلی حدود ۴۲/۶ درصد و سهم بخش تجارت و خدمات در تولید

رشد متوسط ۲۱ درصد از ۱۹۲۲۹ میلیارد ین یعنی حدود ۷۱/۶۱۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۶ به حدود ۳۱۹۹۵ میلیارد ین یعنی حدود ۱۴۱/۱۰۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ رسید. در این دوره بازهم طرف اصلی معاملات ژاپن، کشور آمریکا بود که حدود ۲۴/۷ درصد از صادرات و ۱۸ درصد واردات ژاپن با کشور آمریکا انجام شده است. طی این سالها شاخص بهای عمده فروشی از ۸۴/۹ درصد در سال ۱۹۷۹ به ۱۰۰ درصد در سال ۱۹۸۰ افزایش یافت. و شاخص بهای کالاهای مصرفی از ۹۲/۶ درصد در سال ۷۹ به ۱۰۰ درصد در سال ۱۹۸۰ افزایش یافت.

### — دوره چهارم از ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳

کاهش غیرقابل انتظار صادرات ژاپن در سال ۱۹۸۲ بمیزان ۲/۸۸ درصد مانع ادامه رشد اقتصادی ژاپن شد. طبق محاسبات انجام شده، رشد تولید ناخالص ملی ژاپن که در سال ۱۹۸۱ حدود ۶/۸۵ درصد بود، در سال ۱۹۸۲ به حدود ۵/۱۱ درصد محدود شد. رشد تولید ناخالص ملی این کشور در سال ۱۹۸۳ افزایش یافت و به حدود ۳/۹۱ درصد رسید و حدود ۳ درصد از میزان رشد بعلت افزایش مصرف داخلی و بقیه مربوط به صادرات بود. تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۸۱ حدود ۲۵۱/۹۹۹ میلیارد ین، در سال ۱۹۸۲ حدود ۲۶۴۸۶۶ میلیارد ین و در سال ۱۹۸۳ حدود ۲۷۵۲۳۰ میلیارد ین بوده است. در این دوره علت اصلی کاهش صادرات ژاپن، رکود اقتصادی در آمریکا بوده است. اما تقلیل صادرات به کشورهای جنوب شرقی آسیا و کشورهای اروپایی این روند را تشدید کرد. بطور مثال: عقد موافقتنامه محدودیت صادرات اتومبیل به آمریکا و دیگر محدودیتهای صادراتی به کشورهای دیگر از عوامل مؤثر در کاهش صادرات ژاپن در سال ۱۹۸۲ بود. کاهش صادرات ژاپن از سه ماهه آخر سال ۱۹۸۱ بمیزان ۴/۶ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل شروع شد و این

ناخالص داخلی ۵۳/۹ درصد بوده است. نرخ بیکاری نیز در سال ۱۹۸۰ حدود ۲/۰ درصد، در سال ۱۹۸۱ حدود ۲/۲ درصد و در سال ۱۹۸۲ حدود ۲/۴ بوده است.

### — دوره پنجم از سال ۱۹۸۳ به بعد

نرخ رشد واقعی تولید ناخالص ملی ژاپن از ۵/۳ درصد در دوره مالی ۸۳—۸۴ به ۵/۷ درصد در دوره ۸۴—۸۵ افزایش یافت. ارزش کل تولید ناخالص ژاپن در سال ۱۹۸۵ معادل ۱۳۴۴/۶ میلیارد دلار و در همان سال تولید ناخالص داخلی سرانه حدود ۱۱۱۳۷ دلار بوده است. و از این نظر در مقام هفتم در بین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی توسعه قرار گرفت. پیش‌بینی شده بود تولید ناخالص ملی ژاپن در سال مالی ۸۶ رشدی حدود ۲/۵ درصد در مقایسه با ۴ درصد از قبل پیش‌بینی شده داشته باشد، و میزان آن در سال مالی ۱۹۸۶ به حدود ۲۵۰۰ میلیارد دلار بالغ گردد.

در سه ماهه آخر سال ۱۹۸۶ تولید ناخالص ملی واقعی ژاپن تنها ۰/۸ درصد نسبت به سه ماهه قبل از آن رشد نشان داد و در تمام سال مذکور به حدود ۲/۵ درصد رسید که پایین‌ترین نرخ رشد اقتصادی سالیانه این کشور از زمان اولین بحران نفتی در ۱۲ سال پیش از آن است. به این ترتیب تقریباً قطعی است که پیش‌بینی دولت برای دستیابی به نرخ رشد واقعی ۳ درصد در سال مالی ۱۹۸۶ که در ۳۱ مارس ۱۹۸۷ خاتمه می‌یابد عملی نخواهد شد، زیرا برای رسیدن به چنین رشدی در سه ماهه اول سال، اقتصاد ژاپن می‌بایست حدود ۱۰/۸ درصد رشد داشته باشد. البته پیش‌بینی میشود که تولید ناخالص ملی سرانه این کشور تا سال ۱۹۹۳ از ۱۹۰۰۰ دلار در سال مورد نظر برای آمریکا، پیشی گرفته و به ۲۲۰۰۰ دلار در سال برسد. سطح زندگی در کشور ژاپن بسیار بالا می‌باشد و میزان مرگ‌ومیر در این کشور بسیار کم است، بطوریکه متوسط عمر زن‌ها در آن کشور ۸۰/۱۸ سال و عمر مرد‌ها حدود ۷۴/۵۴ سال می‌باشد،

و میزان مرگ‌ومیر حدود ۶/۲ نفر در هزار نفر می‌باشد که پائین‌ترین سطح را در جهان دارا می‌باشد.

واحد پول ژاپن ین است که با توجه به نوسانات دلار در بازارهای جهانی تغییر می‌نماید. طی سال‌های ۸۵—۱۹۸۰ ارزش دلار جهت صادرات ژاپن به آمریکا به حدود دو برابر از ۳۱/۴ میلیارد دلار به ۶۵/۳ میلیارد دلار افزایش یافته است. ارزش کالاهای صادراتی آمریکا به ژاپن از ۲۴/۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به ۲۵/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵ افزایش یافته است. بدلیل ارزش بالای ین و قیمت پائین نفت و کاهش شدید قیمت مواد غذایی فاسد شدنی، قیمت کالاهای مصرفی در ژاپن طی سال ۱۹۸۶ تنها ۰/۹ درصد افزایش یافت.

شاخص بهای کالاهای مصرفی برای متوسط بهای ۲۳ قلم کالای تولید شده در سال ۱۹۸۶ معادل ۱۰۰/۹ بود. این شاخص در سال ۱۹۸۵ معادل ۱۰۰ بوده است.

نرخ تورم در سال ۱۹۸۴ معادل ۲/۵ درصد و در سال ۱۹۸۵ معادل ۲/۴ درصد و در سال ۱۹۸۶ معادل ۲ درصد بوده است. این نرخ تورم عمدتاً به کاهش بهای مواد غذایی تازه، افزایش برابری ین و سطح پائین قیمت‌های نفت نسبت داده شده است. نرخ بیکاری در ژاپن نیز بالاتر از ۵ درصد نیروی فعال در سال ۱۹۸۵ بوده است.

بانک مرکزی ژاپن اعلام نموده است که در پی کاهش بهای نفت و سایر فرآورده‌های اولیه، بهای عمده‌فروشی کالاها در ژاپن طی سال گذشته (۱۹۸۶)، ۹/۳ درصد کمتر از سال ۱۹۸۵ بود. کاهش بهای عمده‌فروشی کالاها در سال ۱۹۸۶ چهارمین و عمده‌ترین کاهش در شاخص مذکور بوده است. بهای کالاهای وارداتی طی سال ۸۶ نسبت به سال ۱۹۸۵ حدود ۳۴/۷ درصد کاهش یافت، و به کاهش بهای کالاهای داخلی تا ۴/۸ درصد کمک نمود. علیرغم آنکه ارزش برابری

ین شدیداً افزایش یافت، شاخص کلی بهای عمده فروشی کالا که شامل قیمت کالاهای وارداتی و داخلی می باشد، در پایان سال ۱۹۸۶ در سطح ۹۰/۲ قرار داشت. مبنای شاخص مذکور در سال ۱۹۸۰ معادل ۱۰۰ بوده است. بانک ژاپن اعلام نموده است که طی سال ۱۹۸۶ ارزش ین در مقابل دلار حدود ۳۰ درصد افزایش داشته، در حالیکه قیمت‌های نفت حدود ۵۰ درصد کاهش یافت.

پیش بینی میشود که خالص بستانکاری ژاپن از میزان ۱۳۰ میلیارد دلار فعلی به ۷۳۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۳ افزایش یابد. در حالیکه کسری بودجه آمریکا ۱۱ برابر افزایش یافته و به ۱/۲ تریلیون دلار خواهد رسید. مطابق این تحقیق در سال ۱۹۹۳ ژاپن ۱۳/۴ درصد تولید ناخالص ملی جهان را در مقایسه با ۱۱/۸ درصد کنونی در اختیار خواهد داشت.

براساس گزارش سازمان برنامه ریزیهای اقتصادی ژاپن، سقوط غیر منتظره ای در بازار مصرف داخلی در سه ماهه چهارم سال ۱۹۸۶ یک عامل اصلی از کاهش رشد تولید ناخالص ملی بوده است. هزینه های شخصی حدود ۵۰ درصد تولید ناخالص ملی ژاپن را تشکیل میدهد.

در طی سالهای اخیر (از سال ۱۹۸۵ به بعد) واحد پول ژاپن بیش از ۴۰ درصد نسبت به دلار بالا رفته است. وزارت تجارت بین المللی و صنایع ژاپن تصمیم گرفته قوانین مؤثر و مفیدی را برای ظرف ۳ تا ۵ سال آینده بمنظور تحرک بخشیدن به وضع اقتصادی این کشور که از پائیز سال ۱۹۸۵ به دلیل افزایش قابل توجه ارزش برابری ین صدمه دیده است به اجرا درآورد. پیش بینی میشود تا پایان سال ۱۹۹۰ نرخ بیکاری از سطح کنونی ۳ درصد به ۴ درصد افزایش یابد. در بررسی که اخیراً بر روی ۱۲۲ شرکت عمده ژاپنی صورت گرفته ۸ کمپانی صنعتی فعال در زمینه های معادن زغال سنگ، فلزات غیر آهنی و کشتی سازی تصمیم گرفته اند بدلیل وضع مالی تا

پایان ماه مارس سال ۱۹۸۷ تعداد تقریباً ۷۰ هزار تن از کارگران خود را اخراج کنند و صنعت فولاد ژاپن نیز در نظر دارد ظرف ۴ سال آینده ۴۰ هزار تن از کارگران خود را اخراج نماید. با این وجود میانگین دستمزد در بخش خصوصی ژاپن در سال گذشته (۱۹۸۶) کمتر از ۴/۵ درصد افزایش یافت و این علیرغم افزایش ین در مقابل دلار است که سبب شده است ژاپن، صادرات خود را کاهش و وارداتش را افزایش دهد. اما تا کنون این امر تأثیر اندکی بر بهبود وضع توازن تجاری ژاپنی با شرکای تجاری آن گذاشته است. براساس بررسی که از ۳۲۰۰ کمپانی خصوصی بعمل آمده اعلام شده: متوسط افزایش دستمزدها در بخش صنایع در سال ۸۶ معادل ۹۵۰۶ ین بود، این رقم در مقابل ۱۲۰۱۸ ین افزایش رقم مذکور در سال ۸۵ ذکر شده است. یادآوری میشود که مازاد تراز تجاری ژاپن در سال ۱۹۸۶، ۷۹ درصد افزایش یافت و از ۴۶/۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵ به ۸۲/۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۶ رسید.

اخیراً برنامه ریزان سیاستهای اقتصادی ژاپنی اعلام نمودند که جهت کمک به کاهش مازاد تراز تجاری کلان ژاپن لازمست دولت نرخ متوسطی را برای رشد اقتصادی کشور جستجو کند که بنظر میرسد رقم مورد نظر دولت، بیش از ۳ درصد باشد.

مازاد تراز حساب جاری ژاپن از سطح ۲۰/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۳ به ۳۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۴ افزایش یافت. در سال ۱۹۸۵ مازاد حساب جاری ژاپن ۴۹/۲ میلیارد دلار یا معادل ۳/۶ درصد از ۳۱۷/۳ تریلیون ین تولید ناخالص ملی این کشور بوده است. صادرات ژاپن در سال ۱۹۸۶ با ۱۹/۱ درصد افزایش به رکورد ۲۰۹ میلیارد دلار رسید، که علت این امر ۲۴ درصد افزایش در صادرات اتومبیل ها، ۴۵ درصد ترقی صادرات لوازم اداری و ۳۳/۴ درصد افزایش در صادرات تجهیزات کامپیوتری و وسایل الکترونیکی این کشور بوده



است. واردات ژاپن در سال ۱۹۸۶ معادل ۲/۳ درصد کاهش یافت و به ۱۲۶/۵۰ میلیارد دلار رسید که این امر ناشی از ۴۳/۶ درصد کاهش در هزینه واردات نفت خام این کشور بوده است. رشد رقم صادرات بر مبنای دلاری بدلیل بالا رفتن ارزش این نسبت به دلار و نیز قدرت رقابت صادراتی کالاهای با تکنولوژی بالای ژاپن، از جمله عواملی هستند که می توان بعنوان افزایش بی سابقه مازاد حساب جاری ژاپن نام برد. در سال مالی ۱۹۸۶، مازاد حساب جاری ژاپن به رقم بی سابقه ۱۰۱ میلیارد دلار رسید و این مازاد که شامل مازاد تراز تجاری کالاها و خدمات می باشد تقریباً ۴/۱ درصد از تولید ناخالص ملی این کشور را تشکیل می دهد. انتظار میرود در سال ۱۹۸۷ این رقم ۷۷ میلیارد دلار یا ۳/۵ درصد از تولید ناخالص ملی باشد.

ذخایر ارزی ژاپن در اوایل سال ۱۹۸۷ - ۵۱/۴۵۹ میلیارد دلار آمریکا می باشد، یادآوری میشود که ذخایر ارزی ژاپن در پایان سال ۸۴ معادل ۲۴/۹۱۰ میلیارد دلار و در پایان دسامبر ۸۵ معادل ۲۶/۵۱ میلیارد دلار و در شش ماهه اول سال ۸۶ معادل ۳۳/۹ میلیارد دلار بوده است. این افزایش عمدتاً به کوششهای بانک مرکزی این کشور در خرید دلار آمریکا از بازارهای جهانی ارز مربوط میشود. بمنظور دفاع از ارزش برابری ین و مارک در برابر دلار آمریکا، دو کشور ژاپن و آلمان تصمیم گرفتند دلار آمریکا از بازارهای جهانی خریداری کنند. میزان ذخایر طلا در ژاپن در سال ۱۹۸۶ به ۴۱ میلیارد و ۹۸۰ میلیون دلار رسید، و علت این امر، افزایش بازده سرمایه گذاری بر روی اوراق خزانه آمریکا و ثبات نرخ برابری در بازارهای بین المللی، که نیاز به تقلیل ذخایر ارزی جهت ممانعت از افزایش برابری ین را به حداقل رسانده است، ذکر شده است.

مازاد تراز حساب جاری ژاپن در سال مالی ۸۶ که ۳۱

مارس ۱۹۸۷ خاتمه می یابد با ۶۶/۷ درصد افزایش نسبت به سال ۱۹۸۵ به رقم بی سابقه ۱۰۱ میلیارد دلار، یا معادل ۴/۱ درصد از کل تولید ناخالص ملی ژاپن می رسد. اخیراً آژانس برنامه ریزی اقتصادی دولت ژاپن پیشنهاد کرده است که مازاد تراز حساب جاری این کشور در حد سالیانه ۲ درصد از تولید ناخالص ملی این کشور محدود گردد.

بخش دولتی ژاپن خواهان بودجه ای معادل ۵۷/۷۰ تریلیون ین در سال مالی ۸۷ این کشور می باشد، که در مقایسه با سال مالی ۱۹۸۶ که ماه مارس ۸۷ پایان می یابد معادل ۶/۷ درصد افزایش نشان می دهد. تقاضا برای هزینه های عمومی کل بودجه منهای بهره و اقساط بدهیها و مالیاتهای تخصصی به دولت های محلی به ۳۲/۷۵ تریلیون ین میرسد که در مقایسه با سال قبل از آن ۰/۵ درصد افزایش نشان میدهد. این حداقل افزایش، در نتیجه سیاست صرفه جوئی و ریاضت کشانه ۵ ساله وزارت دارائی این کشور بوده است. وزارت دارائی ژاپن به کلیه بخشهای دولت تأکید کرده که میزان بودجه درخواستی خود را در مقایسه با سال ۱۹۸۵ کاهش دهند. در بودجه سال مالی ۸۷ ژاپن بودجه درخواستی برخی از بخشها از جمله هزینه های دفاعی با ۶/۳ درصد افزایش به ۳/۵۵ تریلیون ین و هزینه کمکهای توسعه ای با ۷/۴ درصد ترقی به ۳۱۶/۹ میلیارد ین خواهد رسید. طبق این گزارش، بهره و اقساط بدهیها تقریباً یک چهارم از هزینه های بودجه سال ۸۷ ژاپن را به خود اختصاص می دهد که در واقع بیشترین سهم خواهد بود. همچنین پیش بینی میشود که خالص اوراق قرضه دولت ژاپن در سال مالی ۸۷ به ۱۵۱ تریلیون ین برسد که در مقایسه با میزان سال قبل که ۱۴۳ تریلیون ین بوده است افزایش نشان میدهد. همچنین درآمدهای مالیاتی وصولی ژاپن در دوازده ماه منتهی به ۳۱ مارس ۱۹۸۶، ۳۸/۲ هزار میلیارد ین معادل ۲۳۳/۴۲ میلیارد دلار اعلام گردید. علت این افزایش را علیرغم

کاهش کمتر از حد انتظار در درآمدهای مالیاتی رسمی، افزایش منابع کسب درآمد مالیاتی، نظیر اوراق بهادار معاملات و مالیات بر ارث را میتوان نام برد.

بطور کلی اوضاع اقتصادی ژاپن در سال ۱۹۸۶ نامطلوب اعلام گردیده است و این نخستین بار است که این جریان اتفاق می افتد و علت را نیز بالا رفتن ارزش ین می توان دانست که موجب کاهش تولیدات صنعتی گردید. از سال ۱۹۸۵ تا سال ۱۹۸۶ ارزش برابری ین ژاپن در مقابل دلار آمریکا ۴۰ درصد افزایش داشته و این مسأله باعث بالا رفتن قیمت کالاهای تولیدی ژاپن در بازارهای جهان و کاهش صادرات ژاپن شده است. همچنین تولید و سرمایه گذاری بویژه در بخش صنایع کارخانه‌ای احتمالاً روندی کند دارد، ضمن اینکه ین قوی، همچنان موجب کاهش درآمدهای صادراتی ژاپن میشود. ژاپن می بایست برای تأمین کسری مالی خود به افزایش مالیاتها توجه بیشتری نماید. بطور کلی اقتصاد ژاپن که هیچ گاه به اندازه اقتصادهای غرب سقوط نکرده است، در مقایسه با معیارهای خود، و به عبارت دقیقتر همراه با احیاء اقتصاد ایالات متحده بهبود یافته است. ژاپن در طی سالهای گذشته برای بهتر شدن درصد رشد واقعی اقتصاد کشورش، صادرات خود، بویژه به ایالات متحده را سریعاً افزایش داد. اما اکنون این روش برابر تحلیل‌هایی که بخش خصوصی و دولتی ژاپن انجام داده‌اند، تغییر می کند و روش جایگزین آن رشدی به مراتب متوازن‌تر و ثبات تقاضای داخلی را برای چندین سال پیشنهاد می نماید که به تدریج نیروی محرکه خود را باز یابد. براساس معیارهای ژاپنی ها، به رغم بهبود بدست آمده، بیکاری در سطحی نسبتاً بالا یعنی ۲/۸ درصد باقی مانده است. لکن می توان این وضع را با رشد پیوسته نیروی کار و پیوستن تعداد بیشتری از زنان به کارهای خارج از محیط خانه توجیه نمود. بهرحال اگر بخش دولتی تنها محرکهای محدود فنی و بخشی را تأمین نماید

سرمایه گذاری بخش خصوصی و تقاضای فزاینده داخلی. کماکان نیروی محرکه رشد خواهند بود. مسأله‌ای که بیشتر مورد نظر است افزایش رقم سرمایه گذاری شرکتها نبوده، بلکه کیفیت مستتر در این ارقام در قالب نوآوریهای فنی بود. اگرچه برخی شرکتهای بزرگ توسعه سرمایه گذاری خود را برنامه ریزی می کنند اما حرکت اصلی را شرکتهای کوچک و متوسطی به وجود خواهند آورد که در اوایل این دهه بیشترین خسارتها را متحمل شده‌اند.

کلید موفقیت ژاپن بخصوص در رشته الکترونیک، در دست این شرکتهاست و این حقیقت ممکن است برای رقبای ژاپن یعنی آنها که برای آینده سرمایه گذاریهای عظیمی می کنند تلخ و نگران کننده باشد. خروج سرمایه نیز قبل از بحران اخیر دلار به دلایل زیر از ژاپن در حال افزایش بود: اولاً: به این علت که ژاپن در حال حاضر از نظر نقدینگی غنی است، ثانیاً به علت نرخ بالای بهره در ایالات متحده و همچنین مازاد حساب جاری باعث قویتر شدن پول و خروج سرمایه باعث کم ارزش شدن آن می شود. دولت و صنعت ژاپن بخوبی تشخیص می دهند که ین، قدرت واقعی شالوده اقتصادی ژاپن را به نمایش نمی گذارد. مطلبی که بخصوص در رابطه با ایالات متحده قبل از بحران اخیر دلار می توان مطرح کرد اینست که به نظر میرسد دامنه وسیع خروج سرمایه از ژاپن که وسیله عمده تأمین کسری ایالات متحده است، شکوه طولانی ایالات متحده را از کم برآورد شدن ارزش ین خنثی خواهد نمود. اما متعاقب بحران ۱۹ اکتبر ۱۹۸۷ که منجر به کاهش ارزش دلار گردید سرمایه‌های خارجی در جستجوی محل امنی دیگر برآمدند در نتیجه بیشتر بسوی ژاپن روی آورده و جریان فوق برعکس گردید.

موضوع دیگری که بیشتر جنبه سیاسی دارد عبارت است از مطرح شدن مجدد یک مکتب اندیشه‌ای در درون حزب لیبرال